

الگوی جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران (۱) (با تأکید بر رابطه میان هویت ملی و ابعاد آن)

افسر رزازی‌فر*

چکیده:

هویت ملی از منظر جامعه‌شناختی به مثابه نوعی احساس تعهد و تعلق عاطفی نسبت به اجتماع ملی است که موجب وحدت و انسجام می‌شود و دارای ابعاد مختلف خردده فرهنگ ملی، دینی، جامعه‌ای و انسانی است.

هدف مقاله بررسی جامعه‌شناختی هویت ملی و ابعاد چهارگانه آن است که در قالب مدل مفهومی با متغیرهای چهارگانه؛ تعاملات اجتماعی، عام‌گرایی، عدالت توزیعی و اقتدار مشروع نظام در جامعه آماری موردنظر - شهر مشهد - مورد بررسی قرار گرفته است.

مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش عبارت است از: میان ابعاد مختلف هویت ملی همبستگی متقابل وجود دارد. در این میان نسبت و رابطه دو عنصر پایداری ملی و تعهد ملی به‌عنوان شاکلۀ هویت ملی با همبستگی بالا مورد تأیید قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها: هویت جمعی، هویت جامعه‌ای، هویت ملی، پایداری عام (ملی)، تعهد عام (ملی)

مقدمه

در حیات اجتماعی، افراد معمولاً نقش‌های اجتماعی مختلفی را ایفا می‌کنند و در "ما"های متنوعی عضویت دارند. انسان‌ها به تعداد نقش‌ها و عضویت در "ما"های مختلف حائز هویت جمعی متفاوت هستند. در میان هویت‌های جمعی متفاوت، هویت جامعه‌ای (ملی) دارای بیشترین اهمیت به لحاظ وحدت و انسجام ملی است.

در علوم اجتماعی، تمامی صاحب‌نظران از متقدمان تا معاصران، به مسأله وحدت و انسجام اجتماعی و به دنبال آن، نوعی روح جمعی یا هویت جمعی پرداخته‌اند و در اکثر این تعاریف بر احساس تعلق و تعهد به مشترکات جمعی تأکید شده است اما ابعاد این مشترکات جمعی نمی‌تواند در تمام جوامع یکسان و هم وزن باشد، بدین لحاظ الگوی ایده‌آل^۱ هویت ملی در هر جامعه متفاوت از جوامع دیگر بوده و محدودیت ابعاد آن برخاسته از ارزش‌ها و نگرش‌های آن جامعه خاص می‌باشد.

در این مقاله کوتاه، هدف اصلی بررسی مدل ایده‌آل هویت ملی و خرد فرهنگ‌های مرتبط با آن در کشور ایران است.

در تبیین اهمیت این مسأله لازم است به نکاتی چند اشاره نمود که عبارت‌اند از:

۱- در جهان فعلی با توجه به اهمیت نقش فضا‌های فرهنگی، ملت‌ها نیازمند داشتن یک هویت خودی می‌باشند؛ تا بر اساس آن بتوانند خود را به فرهنگی مشترک منتسب نموده و در عرصه جهانی عرض اندام کنند.

۲- با اذعان به گسترش تکنولوژی ارتباطات و با توجه به طرح هویت ملی، در مواجهه با غیر (در حال حاضر این "غیر" عبارت است از جامعه دیگر، طرز تفکرهای دیگر و نقش‌های جدیدی که انسان بر عهده می‌گیرد.) به این نتیجه می‌رسیم که تزلزل هویت ملی امکان تسلیم در برابر فرهنگ‌های دیگر را بیشتر می‌سازد.

۳- در عصر حاضر ما در مرحله‌ای هستیم که عوامل خارجی اعتدال سنت ما را بر

هم زده و این امکان را به وجود آورده‌اند که ادامه حیات فرهنگی‌مان زیر سؤال رود. طبیعی است که با این روند اتکاء بر یک جایگاه ویژه خودی برای ادامه حیات فرهنگی جامعه امری کاملاً ضروری خواهد بود.

۴- هویت جمعی، عامل مهمی برای حفظ و تعمیق وحدت ملی، وفاق اجتماعی، صیانت فرهنگی و برنامه‌ریزی اجتماعی است. این مقاله با ارائه توصیفی منطقی از وضعیت هویت جمعی و جایگاه هویت ملی، در یک نمونه مورد بررسی، سعی دارد زمینه‌ای برای تحقیقات بعدی در جهت شناخت وضعیت موجود و برنامه‌ریزی برای دستیابی به اهداف فوق فراهم آورد.

مقاله حاضر در پنج بخش مجزا ارائه می‌شود: ۱- تعریف کلید واژه‌ها ۲- تعریف و مفهوم‌سازی هویت ملی ۳- چارچوب نظری ۴) بررسی سازنده هویت ملی ۵) بررسی رابطه میان عناصر هویت.

بخش اول: تعریف کلید واژه‌ها

هویت جمعی^۱: شیوه مشترک در نحوه تفکر، احساسات و تمایلات یک گروه است که نوعی احساس تعهد و تکلیف نسبت به گروه را بر می‌انگیزد.

هویت جامعه‌ای^۲: احساس تعهد و عاطفه نسبت به اجتماع عام می‌باشد که موجب وحدت و انسجام جامعه است و بخشی از هویت فرد را تشکیل می‌دهد.

هویت ملی^۳: جامع‌ترین هویت جمعی نزد مردم، هویت ملی (جامعه‌ای) نامیده می‌شود و نوعی احساس پایبندی، دلبستگی و تعهد به اجتماع ملی (عام) است و جزئی از هویت فرد می‌باشد.

بایبندی ملی (عام)^۱: اعتقاد و دلبستگی به هنجارها و ارزش‌های چهارگانه هویت ملی (ارزش‌های ملی - دینی، جامعه‌ای و انسانی) است.

تعهد ملی عام^۲: مشارکت در جهت توسعه و تثبیت ارزش‌ها و هنجارهای چهارگانه هویت ملی است.

بخش دوم: تعریف و مفهوم‌سازی هویت ملی

در تعریف هویت ملی، عبارت «شیوه مشترک در نحوه تفکر، احساسات و تمایلات را که مترادف با هویت جمعی است، در افکار و آراء اندیشمندان اجتماعی جستجو نمودیم. هگل به‌عنوان پیشگام روان‌شناسی اجتماعی، مدعی است که "ذهن اجتماعی" خود جوهر مستقلی است و تنها یک ذهن وجود دارد که در برگیرنده همه چیز است. و نت (۲) نیز از روح قومی یا "ذهن گروهی" مستقل^۳ یاد می‌کند و معتقد است روح قومی ماهیتی دارد که جدای از افراد است و برتر و بالاتر از آنان می‌ایستد.

همچنین اسپیناس (۳) با ارائه نظریه "ذهن عینی گروه"^۴، ذهن‌های فردی را به‌صورت ضمیر خودآگاه جمعی فرض می‌کند که با یکدیگر متحد می‌شوند. وی و فستینگر، هر دو بر تبادل نظر میان گروه‌ها تاکید دارند. در آراء ابن‌خلدون (۴) نیز جامعه یا دولت به سبب هماهنگی سازمان‌های خویش و همکاری افراد، به تجانس و وحدتی که در عرف وی "عصبیت" و در جامعه‌شناسی امروزی "انسجام اجتماعی" و یا "روح گروهی" خوانده می‌شود، نیاز دارد.

این اندیشمندان همگی در تعاریف خود بر دو عنصر عمده تاکید نموده‌اند که عبارت‌اند از:

- نیروی برتر حاصل از پیوند اذهان با افراد

- تجانس و وحدت افراد در اطراف نیروی برتری (۲ و ۳ و ۴)

1- National bond

2- National Commitment

3- Objective groupmind

4- Substantive groupmind

از سوی دیگر منتسکیو و کنت عواملی چون "نیروی برتر"، "وحدت و انسجام"، "احساس عاطفی" و "وجه مشترک" را مورد تأکید قرار داده‌اند. (۵ و ۶) منتسکیو با اشاره به "روح کلی" معتقد است که یک نظام اجتماعی پایدار نمی‌ماند مگر آنکه احساس عاطفی متناسب با آن در نزد افراد مردم وجود داشته باشد. کنت نیز در توضیح "اجتماع اجتماعی" می‌گوید:

«آدمیان با پیوند اعتقادات مشترک و از راه هدفی که همگی بدان عشق

می‌ورزند، با هم متحد می‌گردند.»

و بر (۷) که بر "رفتار معطوف به ارزش"^۱ تأکید می‌ورزد و دورکیم که "عاطفه جمعی" و "وجدان جمعی" را مطرح می‌کند، هر دو به عناصر عمده "ارزش مطلق (نیروی برتر)"، "انسجام"، "وجه مشترک"، "عاطفه یا احساس"، "آگاهی" "تعادل" اشاره دارند.

هم‌چنین، بلومر که معتقد است "فرایند اجتماعی زندگی گروهی است که قواعد را می‌آفریند نه اینکه قواعد، زندگی گروهی را به وجود آورد و" زیمل که اساس زندگی اجتماعی را افراد یا گروه‌هایی آگاه می‌داند که با یکدیگر کنش متقابل دارند و تحت تأثیر انگیزه‌ها، اهداف و علائق یکدیگر قرار می‌گیرند و یا کولی که "خود خصوصی" را متأثر از ویژگی‌های گروه می‌داند، همگی علاوه بر تأکید مجدد بر کنش اجتماعی، وجه مشترک و آگاهی، بر عنصر دیگری که عبارت است از "در احاطه قرار گرفتن بخشی از خود یا هویت فردی توسط نیروی جمعی یا هویت جمعی" تأکید می‌ورزند. (۸)

در مرحله بعد، با بررسی تعاریف معاصرین همچون پارسونز (۹) که از اجتماع جامعه‌ای^۲ به عنوان سیستم حفظ یگانگی و انسجام نام می‌برد و هابرماس (۱۰) که از گستره همگانی به عنوان زنجیره‌ای از اشکال کنش ارتباط سخن می‌گوید به محدوده هویت جمعی نزدیک می‌گردیم.

این دسته از صاحب‌نظران در تعریفی که از هویت جمعی ارائه می‌دهند، عناصری

چون "منافع یا اهداف مشترک، "ارتباط"، "وابستگی و انسجام"، "احساس تعلق"، "آزادی و آگاهی" را از عوامل عمده در تشکیل هویت جمعی برمی‌شمارند. (۹، ۱۰، ۱۱)

دسته‌ای از صاحب‌نظران داخلی معاصر، چون دکتر مسعود چلبی، دکتر عبداللہی و همین‌طور تنی چند از صاحب‌نظران خارجی معاصر، بر عناصری چون "احاطه هویت جمعی بر بخشی از هویت فردی" و "عنصر ممیزه تعهد نسبت به گروه و تعلق عاطفی" تأکید می‌کنند. (۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶)

چلبی "ما"ی تشکیل شده را دارای اخلاقی می‌داند که هم جزئی از فرد است و هم ورای فرد. عبداللہی نیز "هویت جمعی" را معرف آن حوزه و قلمروی از حیات اجتماعی می‌داند که فرد یا ضمیر "ما" خود را متعلق، منتسب و مدیون بدان می‌داند و در برابرش احساس تعهد و تکلیف می‌کند. (۱۲، ۱۳، ۱۴)

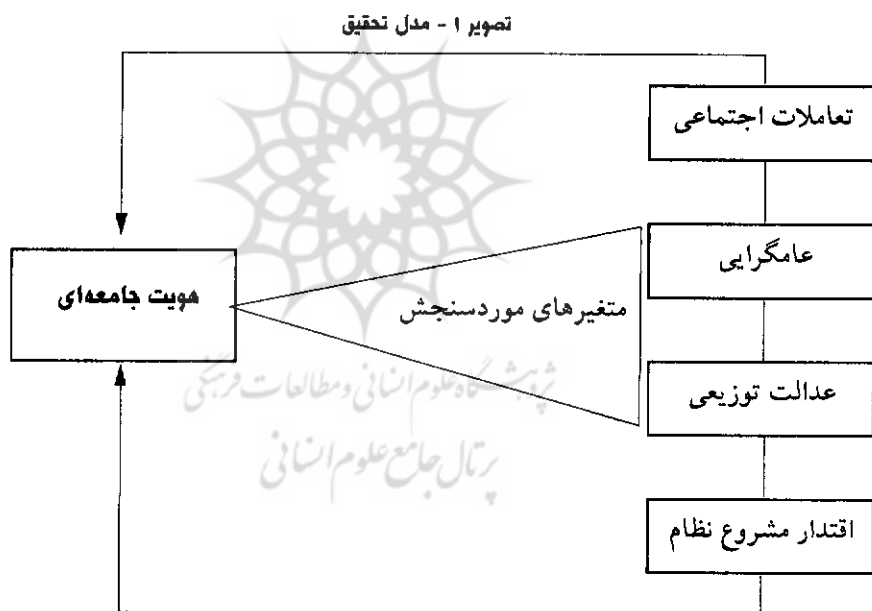
در دیدگاه نظریه‌پردازانی چون تجفیل^۱ (۱۷) که یک ارتباط علی میان نیازهای هویت اجتماعی و اشکال مختلف رفتار بین گروهی قائل است و ملوچی (۱۸) که بیش از هر چیز بر مفهوم هویت تأکید دارد نیز معتقد است که عنصر تضاد در تشکیل هویت نقش موثری ایفا می‌کند.

با بررسی دیدگاه صاحب‌نظران در مورد پایه تشکیل یک هویت جمعی، می‌توان بر دو عنصر عمده و مشترک، یعنی احساس تعهد و تعلق عاطفی تأکید نمود. بدین ترتیب، در صورتی که هویت ملی را جامع‌ترین هویت جمعی و یا هویت جامعه‌ای بدانیم، تعریف آن چنین خواهد شد:

هویت جامعه‌ای نوعی احساس تعهد و تعلق عاطفی نسبت به اجتماع عام (ملی) می‌باشد که موجب وحدت و انسجام جامعه است و بخشی از هویت فرد را تشکیل می‌دهد.

بخش سوم: چهارچوب نظری

با بررسی نقطه نظرات تاکید شده در رابطه با عوامل ایجاد کننده با تقویت کننده هویت جامعه‌ای که نوعی هویت جمعی یا "ما"ی عام می‌باشد، نظریات طرح شده در دو دسته متأخران و معاصران حاکی از تعدادی عوامل مشترک است که دسته ای در محتوا مشترک و در لفظ غیرمشترک و دسته دیگر هم در لفظ و هم در محتوا مشترک هستند. اما آنچه در این بررسی‌ها می‌تواند به‌عنوان عوامل اصلی و تقویت کننده هویت جامعه‌ای قرار گیرد، ۴ عامل عمده می‌باشند که عبارت‌اند از:



«عوامل موثر بر هویت جامعه‌ای با تاکید بر دو عامل مورد سنجش»

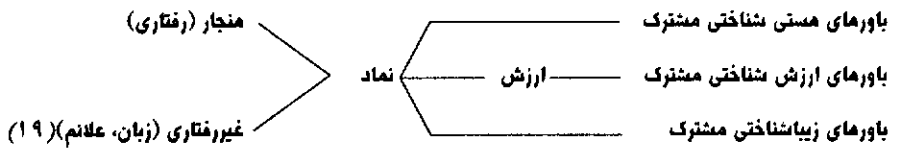
این چهارچوب علی در دو بخش نظری و عملی قابل بررسی است. امروزه کشورهای جهان به دو دسته توسعه‌نیافته و پیشرفته تقسیم شده‌اند. کشورهایی در دسته اول

وجود دارند که از غنای فرهنگی و دیرینه تاریخی بیشتری برخوردارند لیکن نتوانسته‌اند به یک نظم پایدار دست یابند و هویت تاریخی خویش را احیاء کنند. درحالی‌که اغلب کشورهای دسته دوم با وجود قدمت فرهنگی کمتر، نسبت به کشورهای یاد شده به یک نظم پایدار دست یافته‌اند. پس نمی‌توان پذیرفت که صرف داشتن یک پیشینه فرهنگی غنی یا مشترکات فرهنگی مشخص بتوان جامعه‌ای با ثبات را پیریزی کرد. زیرا یک مجموعه فرهنگی که شامل سنت‌ها، ارزش‌ها، نمادها، سمبل‌ها و ... یک جامعه است، تنها زیربنایی است جهت هماهنگ شدن و تشکل یک جامعه اما ابزارهای اجرایی می‌طلبد که این مجموعه فرهنگی سازمان یافته و در جهت تکامل جامعه به کار آید که در این جا چهار مولفه عامگرایی، تعاملات اجتماعی اقتدار مشروع نظام و عدالت توزیعی، بازوهای اجرایی تبدیل این نیروی بالقوه مشترک به نیروی منسجم کننده می‌باشد.

عامگرایی^۱

الف) عامگرایی نظری

عوامل مشترک فرهنگی که با تعاریف متفاوت اما با مفاهیم مشترک در نزد صاحب‌نظران می‌باشد را می‌توان در قالب این تعریف آورد. فرهنگ مجموعه‌ای از باورها است و باورها به سه دسته هستی‌شناختی، ارزش‌شناختی و زیباشناختی تقسیم می‌شود. پس باورهای هستی‌شناختی، باورهای ارزش‌شناختی و باورهای زیباشناختی همگی به صورت نماد و سمبل درمی‌آیند و آن بخش از نمادها که به صورت رفتار یعنی شکل معینی از عمل، می‌باشد، به واسطه نمادین بودن، قراردادی است که این باورهای مشترک به صورت نماد درمی‌آیند و بخشی از این نمادها که شکل معینی از عمل است و مورد قرارداد جمع و توافق جمع است "هنجار" نامیده می‌شود.



چلبی معتقد است که ارزش‌ها و نمادها و معانی هسته‌ای فرهنگ، به‌خصوص در سطح وجودی، باید آن‌چنان انتخاب شود که ارزش‌ها و نمادها و معانی مورد نظر اکثریت گروه‌ها و اجتماعات طبیعی^۱ جامعه را فرا بگیرد. به طوری که هم اجتماعات طبیعی و هم اقشار و کنشگران اجتماع نفع مشترک شناختی و عاطفی خود را کم و بیش در آن ببینند. بر مبنای ارزش‌ها و نمادها و معانی هسته‌ای انتخاب شده، نظام قواعد تجویزی (هنجاری) باید به صورت نسبتاً مشخص نهادی شوند. به طوری که اکثریت واحدهای اجتماعی اعم از کنشگران فردی و جمعی آنها را به صورت نوع آرمانی رفتار مشترک ببینند و رابطه آن با نقش‌های اجتماعی را بشناسند. به عبارت دیگر، انتظارات اجتماعی (نظام هنجاری) و الگوهای رفتاری (نقش‌های اجتماعی) باید برای اکثر واحدهای اجتماعی صریح و حتی المقدور فاقد تشمت و تناقض باشند. (۲۰) او همچنین هنجارها را برای پیش‌بینی رفتار در جامعه می‌داند که عدم تفاهم در جامعه و روابط اجتماعی را کم می‌کند و طبعاً تعاون اجتماعی را بالا می‌برد. سپس هنجارهای اجتماعی، روابط اجتماعی را به اصطلاح روان و راحت می‌کنند و در واقع هنجار و اخلاق آب و روغن جامعه است. قدرت و زر و زور، چرخ دنده‌ها و قسمت سخت افزاری آن هستند و لازم است این دو نیرو باهم باشد. (۲۱)

ب) عام‌گرایی عملی

اما این عامل در نظر و عمل می‌بایستی در سطح فردی اشاعه یابد، بدین صورت که

فرد عامگرا بعد از شناخت الگوهای هنجاری عام آنها را مورد پذیرش قرار داده و در تعاملات اجتماعی بر اساس آن عمل نماید. این گونه رفتار بر تسلط هویت جامعه‌ای بر هویت‌های جمعی محدودتر فرد موثر می‌باشد. با تعریفی از عامگرایی به عنوان تعهد و رفتار به ارزش‌ها و هنجارهای عام صاحب‌نظران به طرق مختلف آن را مورد توجه قرار داده‌اند. تونیس مسیر ترسیم شده در جهت اجتماع^۱ را پیوند براساس نیازهای مناسب که فرمانبرداری و در نهایت هماهنگی در نیازها را به همراه دارد، بیان می‌کند که به دنبال منافع مشترک و درک بیشتر جمع می‌گردد و تلاشی در جهت توافق و هماهنگی بیشتر در نیازهاست و در نهایت، وظایف و عملکرد بر اساس منافع جمع تنظیم می‌شود. (۲۲) از نظر دورکیم نیز عوامل وفاق و انسجام اجتماعی در سطح فردی تنظیم عواطف به وسیله نمادهای عام و تنظیم کنش‌ها به وسیله هنجارهای اجتماعی است. (۲۳) مید نیز دیگری عامل (اجتماع انتزاعی) را ایفا کننده نقش هویت جمعی می‌داند که به بیان او تقدم جامعه را بر فرد نمایان می‌سازد و ارزش‌های عام را بر رفتارهای فردی اعمال می‌کند. به نظر زیمل، هرچه فرهنگ فردی ذهنی ارزش کمتری می‌یابد، ارزش فرهنگی کلی افزایش پیدا می‌کند. فرایند اجتماعی تکاملی از طریق استفاده نمادهای معنادار که در فرهنگ کلی افزایش می‌یابد، فرایند اجتماعی - تکاملی از طریق استفاده نمادهای معنادار که در فرهنگ کلی افزایش پیدا می‌کند، فرایند اجتماعی - تکاملی از طریق استفاده نمادهای معنادار که در فرهنگ کلی ایجاد شده است و از طریق ارتباطات صورت می‌گیرد یعنی رفتار بر اساس الگوهای عامل، شکل گرفته و همراه تعامل اجتماعی ناشی از نگرش دینی، مبادله اقتصادی و تعارض اجتماعی منجر به فرایند اجتماعی - تکاملی می‌شود. (۲۴)

در ترسیمی که پارسونز از اجتماع جامعه‌ای (هویت جامعه‌ای) دارد، تعمیم الگوهای فرهنگی در سیستم فرهنگی از طریق مبادله با سیستم یگانگی صورت می‌گیرد. در اثر

ارتباط سیستم جامعه‌پذیری و "اجتماع جامعه‌ای شده تعهدی نسبت به مشارکت در جهت بسط ارزش‌ها و محتوای الگوها ایجاد می‌گردد و درمقابل سیستم "اجتماع جامعه‌ای" توجیحات و امکانات وفاداری به نظام را فراهم می‌نماید و نتایج حاصله از این مبادله بین دو سیستم (اجتماع جامعه‌ای شده (یگانگی) و سیستم جامعه‌پذیری) پایبندی و تعهد به ارزش‌های مشترک و اعتبار بخشیدن به وفاداری است و سیستم جامعه‌پذیری تعهد به ارزش‌های مشترک را جهت هویت جمعی ایجاد می‌کند. (۲۵) هابرماس نیز از عام‌گرایی به نام کنش تفاهمی سخن می‌راند که هدف آن "فرایند نیل به درک" برای رسیدن به توافق و اجماع است. هر دستاورد تفاهمی برای خود دارای پایه و زیر بنای منطقی بوده و بر مبنای اعتقادات مشترک استوار است. (۲۶) او معتقد است که ساختارهای تفاهمی موجب وفاداری توده‌ها و انگیزه‌های تعمیم یافته جمعیت می‌باشد و هرگونه دستکاری در نقطه نظرات جهانی، تحمیل و تغییر اجتماعی و فشار و تحمیل در جهت پذیرش انگیزه‌های تشویقی یا تنبیهی همگی در جهت تحریف ساخت‌های ارتباطی و ساختارهای تعیین هویت خود که وفاداری توده‌ها و انگیزه‌های تعمیم یافته جامعه بر آنها مبتنی است، می‌گردند.

از نظر هابرماس، بهداشت و تندرستی جسمانی، سلامت روانی، داشتن عقل سلیم، رفاه و خوشبختی، سعادت و مهم‌تر از همه "هویت" درونی، فرد را با دنیای درونی هم‌نوع وی چنان به همدیگر مرتبط می‌سازد که امکان ایجاد و برقراری روابطی از قبیل درک متقابل، تفاهم، مشارکت، مذاکره و غیره را میسر می‌نماید. (۲۷)

در جامعه‌شناسی سیاسی هابرماس، تأثیرات علی مربوط به تحولات و نزاحمات موجود در چارچوب نظام اجتماعی - فرهنگی و تأثیرات ناشی از نظام اقتصادی و دولت به‌طور نظام مند درهم آمیخته و باهم متحد می‌گردد و میان آنها رابطه‌ای تنگاتنگ و دیالکتیکی برقرار می‌گردد. از سوی دیگر، این امر ممکن است به این نتیجه منجر گردد که مشکلات و مسائلی که در مرز یا فاصله بین جهان زیست و سیستم بروز می‌کنند، موجب کاستن بار مسئولیت ما آگاهی، تفکر و تصمیم‌گیری شوند و همچنین امیدها و

آمال ناشی از وجود یک "جهان زیست" عاری از هرگونه خشونت، سخت‌گیری، تضییقات و ممانعت‌های سنتی، از طریق اشکال جدید عمل تفاهمی، فضای عمومی تباه شده را بازسازی نموده و توافق یا اجماع تازه‌ای مبتنی بر تفاهم ایجاد نمایند. (۲۸)

از نظر استرایکر نیز عمل به انتظارات فرهنگی که از عوامل موثر بر هویت جمعی است، رعایت آزادی در تعاملات را هم تضمین می‌کند. (۲۹) "گلنر" نظام آموزش عام را سبب تجانس فرهنگی می‌داند که قواعد مشترکی را برای تعاملات اجتماعی فراهم می‌نماید و عمل به این قواعد مشترک موجب ناسیونالیسم یا تعهد ملی عام می‌گردد.

تعامل اجتماعی^۱

ایجاد زمینه‌های مشارکت عمومی از جانب دولت، موجب اتصال افراد به گروه‌های اجتماعی است. استرایکر معتقد است که اگرچه شخصیت هر فرد به وسیله تعامل شکل می‌گیرد ولی ساخت‌های اجتماعی تعامل را شکل می‌دهند. (۳۰) و چلبی چهار وجه تنظیم اجتماعی را چهار نوع تعامل بین گروهی، رقابت بین گروهی و تعامل درون گروهی، تفاهم بین گروهی می‌داند. (۳۱)

این تجمع و اتصال دو کارکرد دارد. کارکرد اولیه آن توازن قدرت و به عبارتی نظارت بر قدرت حاکم است که از طریق گروه‌های سیاسی و احزاب صورت می‌گیرد و برآیند آن کاهش تنش‌های موجود بین صاحبان قدرت و مردم است. (۳۲) کارکرد دیگر این تمایلات گروهی، ایجاد میل عاطفی و تعهد افراد به ارزش‌ها و اهداف جمعی عام می‌باشد. کنش‌ها به وسیله هنجارها و ارزش‌های مشترک فرهنگی از طریق نظام آموزشی به ایجاد تمایلات عام شخصیتی کمک می‌نماید. آنچه امروز از آموزش انتظار می‌رود، ایجاد تفاهم و همدردی با دیگران است. (۳۳) در واقع، شخصیت رابط بین نظام ارگانیک و نظام اجتماعی است. شخصیت در واقع رابطه بین نظام ارگانیک و نظام اجتماعی است و

شخصیت به‌عنوان نظام تمایلات از طریق نفوذ متقابل نیازهای ارگانیک و انتظارات نظام اجتماعی طی فرایند جامعه‌پذیری و درونی شدن شکل می‌گیرد. چلبی معتقد است که کنشگران اجتماعی که به قواعد اخلاقی و هنجارهای عام تعمیم یافته معتقد باشند، نظام شخصیتی‌شان حائز تمایلاتی نظیر وابستگی عاطفی تعمیم یافته و تعهد درونی تعمیم یافته می‌باشد. (۳۴)

در اجرای مناسک که در مسیر ایجاد تمایلات عام شخصیتی است، دو فرایند عمده بهم پیوسته اتفاق می‌افتد، در مرحله نخست عاطفه جمعی ایجاد شده به‌صورت نیرویی ورای تک‌تک افراد عمل کرده فرد را به جمع متعهد می‌کند. و در مرحله بعد، بعضی از اصول و قواعد اساسی (اعم از عقلانی، غیرعقلانی و ناعقلانی) قدسی می‌شود و افراد آن را درونی می‌کنند، به‌طوری‌که قواعد و نهادهایی که این چنین قدسی شده‌اند به‌صورت پارامتریک - و نه به شکل متغیر - وارد محاسبات عقلانی مشخص می‌شوند. (۳۵)

استرایکر و سرپ به تعهدکنش متقابلی که از طریق ارتباط با شبکه‌های مختلف روابط مشخص می‌شود، اشاره می‌کنند و می‌گویند:

«افراد خاص که شبکه‌های کنش متقابل را شکل می‌دهند از طریق چنین ساختارهای اجتماعی با تاثیر روی تعهدات مستقیماً بر هویت مؤثر می‌گردند.» (۳۶)

چلبی نیز معتقد است که تعهد تنها از طریق عضویت حاصل می‌شود و از طریق جامعه‌پذیری است که فرد احساس عضویت می‌کند. تعهد کاری که در این عضویت ایجاد می‌شود موجب همزاد پنداری است و ایجاد پاسخ عاطفی به مای بزرگ می‌کند. (۳۷) در واقع جامعه‌پذیری افراد از طریق امکانات اجتماعی همچون آموزش همگانی و مناسک جمعی صورت می‌پذیرد.

عدالت توزیعی^۱

توزیع عادلانه منابع که در دو بخش اقتصادی و اجتماعی قابل اجراست، عبارتست از توزیع عادلانه منابع ارزشمند و برابری فرصت‌ها.

الف) توزیع عادلانه منابع ارزشمند: از طریق مکانیزم عادلانه توزیع، تنش فی‌مابین، صاحبان منابع و فاقدین منابع، از بین رفته یا کم می‌گردد. اگر براساس توزیع عادلانه منابع نابرابری اقشار مختلف و طبقات اجتماعی کم گردد، احساس محرومیت کاهش می‌یابد که مانعی است از رفتارهای نابهنجار که زمینه‌ساز نظم می‌باشد. از طرف دیگر تنش موجود مابین فاقدان منابع و صاحبان منابع کاهش یافته، به قبول نابرابری قانونی می‌انجامد.

برابری فرصت‌ها در جامعه موجب می‌گردد که موقعیت‌ها در جامعه اکتسابی بوده و زمینه انگیزه ارتقاء فراهم می‌آید که تحرک اجتماعی را به دنبال دارد، رشد خلاقیت و پویایی جامعه نیز نتیجه تحرک اجتماعی است و حاصل نهایی این نوع توزیع عادلانه با توجه به کاهش احساس محرومیت و امکان تحرک اجتماع، موجب پذیرش نابرابری متعارف اجتماعی می‌شود. چلبی معتقد است:

«از فرایندهای مورد توجه در وفاق اجتماعی، عامل فرصتی و فرایند توزیع منابع ارزشمند در جامعه است. شرایط عینی و مادی لازم تعمیم و هام کردن وفاق اجتماعی به میزان سهم شدن اکثریت گروه‌ها و اقشار و افراد در مواهب اجتماعی زندگی جمعی بستگی دارد، بر عهده نظام فرصت‌ها (قشریندی) است که با گرایش برابرسازی، فرصت‌های مساوی برای گروه‌ها و قشرهای مختلف اجتماعی فراهم سازد و حقوق سیاسی، مدنی، اقتصادی و فرهنگی را برای آحاد اجتماعی در طول زمان بسط دهد. (۳۸) البته اصل دوم نظریه عدالت "جان رانلر میل" به برابری سازی در هر مقطع زمانی با توجه به امکانات و مضایق و سطح توسعه جامعه، تنها تا جایی می‌تواند پیش رود که کاهش در

تفاوت‌ها موجب خسران برای همه و جامعه نشود. لذا در چنین نظامی انتظار نیست که هر فرد به صورت منفعل و فاقد هرگونه نقد و ابتکار صرفاً به سازگاری محض با جمع پردازد.» (۳۹)

رشد خلاقیت‌ها به بالا رفتن سطح آگاهی کمک نموده، کنش‌ها و مشارکت افراد در جامعه با توجه به مشروعیت نابرابری‌های متعارف و کاهش تضادها به صورت ارادی و آگاهانه می‌باشد.

اقتدار مشروع نظام^۱

در بخش اجرایی، عوامل موثر بر هویت جمعی یکی از مولفه‌های اقتدار نظام است که اگر از مشروعیت برخوردار باشد، اعمال قدرت بدون ترس و استثماری می‌باشد. به این ترتیب، از یک سو کنترل اجتماعی میسر می‌گردد که به نظم درونی منتهی می‌شود و از جانب دیگر، احساس تعهد به نظام را برمی‌انگیزد و نظم حاصله به همراه احساس تعهد ثبات نظام را به همراه دارد. چلبی چهار بعد تنظیم سیاسی را بسیج قدرت، تمرکز قدرت، مشروعیت قدرت و تفاهم نمادی در سطح جامعه می‌داند. (۴۰)

اقتدار و مشروعیت در ارتباط نزدیک با مفهوم فرمانبرداری (اطاعت) قرار دارند. اقتدار نوعاً متضمن فرض مشروعیت است.

«... اقتدار مشروع بیانگر حق عمل کردن و فرمانبرداری است که با وظیفه اطاعت پیوند دارد. به تعبیر «هاناییتکین»، اطلاق اقتدار مشروع به چیزی معمولاً دال بر آن است که باید از آن چیز اطاعت و تبعیت نمود. بدین ترتیب در سطح وسیع و در پهنه سیاست و اجتماع، بخشی از مفهوم عام دولت و اقتدار بیانگر آن است که شهروندان مطیع اقتدار باید افرادی، متعهد، مسئول و وفادار به دولت باشند.» (۴۱)

اگر بتوان اقتدار مشروع را ابزاری جهت توازن قدرت دانست، چلیبی معتقد است، زمانی که در روابط قدرت بین کنشگران عدم توازن وجود داشته باشد، کنشگری که در روابط دارای قدرت کمتری است و نسبت به تخطی و تجاوز فرد قدرتمند آسیب‌پذیر است، از تصور اینکه دیگری از قدرت استفاده خواهد کرد، مضطرب می‌شود و این زمانی است که اضطراب درون‌افکن می‌گردد. در نظم بیرونی (سیاسی) که فاقد وفاق اجتماعی نسبتاً کامل است، روابط ابزاری غالب است. پشتوانه تنظیم چنین روابطی "قدرت" است. لذا اضطراب و خوف هم اسباب کنترل اجتماعی از طریق سازگاری بیرونی است و هم نتیجه رابطه نامتوازن قدرت می‌باشد. وی معتقد است که نظم اجتماعی نیز به دو صورت نظم بیرونی^۱ و نظم درونی^۲ یا نظم و فاقی طبقه‌بندی می‌شود. (۴۲)

در نظم سیاسی، نظم اجتماعی به صورت بیرونی و از بالا با پشتوانه قدرت اعمال و مستقر می‌شود. اعضاء جامعه در این نظم با توجه به منافع خود به سازگاری بیرونی تن می‌دهند. در چنین نظامی، اعتماد اجتماعی متقابل تعمیم یافته، وابستگی عاطفی تعمیم یافته و تعهد درونی تعمیم یافته یا ضعیف است و یا وجود ندارد.

«مسأله کنترل اجتماعی در رابطه با نظم، به دلیل وجود قدرت است که حساس می‌باشد. زیرا اگر اقتدار از مشروعیت برخوردار نباشد، مسأله نظم و انسجام با آزادی در تضاد قرار می‌گیرد و ممکن است اشاره‌ای ضمنی به اقتدارگرایی داشته باشد، به‌ویژه با توجه به معانی مثبت یکپارچگی^۳ و همبستگی^۴ اختلاف عمده این است که بین نظم تحمیل شده از بالا و آنچه که توسط خود مردم ایجاد شده، فرق است.» (۴۳)

از آن‌جا که بی‌ثباتی نظام، که از عوامل دامنگیر در جهان سوم می‌باشد، موجب روند مستمر تغییر اجتماعی و تحولات اقتصادی است، به احساسات بی‌ریشه و نامطمئنی که

1- External Order

2- Internal Order

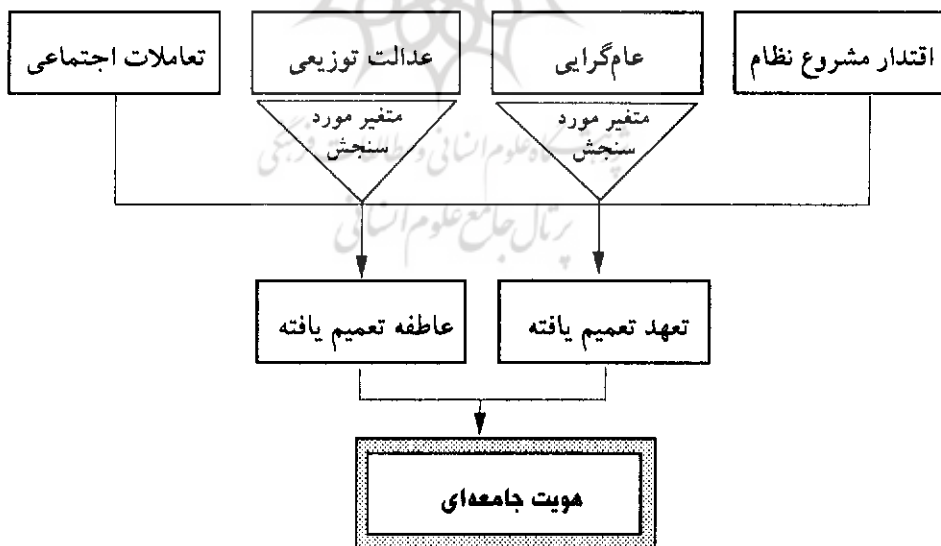
3- Integration

4- Solidarity

ما از روی آن ارزش‌ها را انتخاب می‌کنیم، دامن زده و جریان‌های ناتمام نهادی کردن سیاسی از طرف رژیم و اجتماعی کردن سیاسی مردم بر مشکلات مبنی بر تحول یک هویت منسجم به سمت اهداف سیاسی و در واقع حتی به سوی ملیت فرد افزون می‌شود و به دنبال آن ناتوانی در جزئی کردن یکسری از ویژگی‌ها (تعمیم ارزش‌های عام، کم رنگ کردن ارزش‌های خاص) همگی دست به دست خواهند داد تا از توسعه یک حس قوی هویت ملی ممانعت به عمل آورند.^(۴۴)

به عبارتی، ثبات نظام موجب ثبات اقتصادی و اجتماعی شده و تثبیت ارزش‌های اجتماعی و سیاسی و سیاسی را به همراه دارد و این ارزش‌های تثبیت شده در زمینه ثبات اجتماعی و با اهرم اقتدار مشروع دولت از طریق نهادی کردن آنها ایجاد گردیده است و فرصتی جهت تقویت و توسعه ارزش‌های فرهنگی عام است.

تصویر (۲) - عوامل موثر بر هویت جامعه‌ای و اجزاء آن در مدل تحقیق



بخش چهارم: عناصر سازنده هویت ملی

بدین ترتیب افراد گروه اجتماعی که به دنبال یک تعمیم یافتگی در قواعد اخلاقی، عاطفی و وجوه مشترک آن می‌باشند، پیرو یک نظام فرهنگی کلی در سطح جامعه می‌گردند. از نظر "مکنزی" این نظام فرهنگی به افراد یک گروه، هویت فرهنگی می‌بخشد و البته "هویت ملی" تنها یکی از چهار نوع اصلی این هویت فرهنگی است که از قرن ۱۹ برجای مانده و سه نوع دیگر آن عبارت‌اند از: هویت نژادی، هویت دینی و هویت طبقه‌ای. (۴۵) این تقسیم‌بندی در کشور ایران می‌تواند به صورت هویت سه‌گانه فرهنگی شامل هویت دینی، هویت ملی و هویت قومی باشد. اما محرز است که گروه‌های اجتماعی در موقعیت‌های متفاوت، هویت برتری را دارا هستند. یعنی امکان دارد که افراد به طور هم‌زمان در چندین بازی شرکت کنند ولی در بیشتر موارد، عمده‌ترین مشغله ذهن آنها مربوط به بازی واحد باشد و با سهم بودن در یک قلمرو مشترک و ضمن همکاری در راه هدف‌های خاص، به خاطر تحقق اهداف فائقه اجتماعی، بازیگران یک بازی، بازیگران بازی دیگر را مورد استفاده قرار دهند. (۴۶)

ابن‌خلدون نیز معتقد است که هرگاه عنصرهای برابر و یکسان فراهم آیند، به هیچ روی ترکیبی از آنها روی نمی‌دهد بلکه ناگزیر یکی از آنها بر عناصر دیگر غالب می‌آید تا امتزاج حاصل گردد. پس لازم است که عصبیت یکی از گروه‌ها بر عصبیت‌های سایر گروه‌ها غلبه کند و آنها را متمرکز و متحد گرداند و همه را تحت سلطه خود درآورد، بدان سان که آن عصبیت هم شامل همه گروه‌ها گردد و هم موجودیت خود را حفظ کند.

اما در جامعه ایران، آنچه می‌تواند ما را در تعیین هویت با مشکل مواجه کند، هم‌پرازای دو نوع هویت دینی و ملی است زیرا هویت نژادی در جامعه ایران جایی ندارد. در مورد هویت قومی نیز می‌توان گفت: "یک گروه قومی عبارت است از دسته‌ای از مردم که در نتیجه میراث فرهنگی مشترک خود، از نظر اجتماعی متمایز می‌شوند" برخلاف تفاوت‌های نژادی، تفاوت‌های قومی از طریق فرهنگی و اکتسابی کسب می‌شوند. و به‌طور ژنتیکی به ارث نمی‌رسند و هیچ گروه قومی دارای ویژگی فرهنگی ذاتی و فطری

نیست بلکه این ویژگی را از طریق جامعه‌پذیری در محیط خاص خود به دست می‌آورد. براین اساس می‌توان از طریق جامعه‌پذیری آن را به محدوده بزرگ‌تر رساند.

در جامعه ایران، نظر براین است که اگر قرار باشد جامعه‌نگاری وسیعی مبتنی بر احساسات انسانی راجع به هویت‌ها و ارتباطات گروهی رسم کنیم، آنگاه ساخت کشور ما خود را همچون فدراسیونی از گروه‌های اولیه و خانواده‌ها و گروه‌های مبتنی بر دوستی نشان می‌دهد که در یک اجتماعی ملی متحد شده‌اند.

در رابطه با هویت جامعه‌ای در ایران که از آن به عنوان نوعی هویت ملی - دینی نامبرده می‌شود، یک تضاد اساسی وجود دارد که به‌طور مشخص عبارت است از اینکه هویت دینی، جهان وطنی و بدون مرز است، درحالی‌که هویت ملی دارای مشخصه‌های خاص خود می‌باشد. بنابراین می‌توان از هویت ملی به‌عنوان هویتی در انقیاد فرهنگ دینی نام برد.

اگر هویت ملی را نوعی احساس ملی یا ناسیونالیسم بنامیم، تعریف ارائه شده از آن عبارت است از وجود احساس مشترک یا وجدان و شعور جمعی در میان عده‌ای از انسان‌ها که یک واحد سیاسی یا ملت را می‌سازند. این وجدان جمعی است که در درون شخصیت افراد حاضر در جامعه و بین آنها و گذشتگان و اسلافشان رابطه و دلبستگی‌هایی ایجاد می‌کند و روابط و مناسبات آنها را با هم و با سایر ملل رنگ می‌دهد و آمل و آرمان‌های آنان را به هم نزدیک و منطبق می‌سازد. (۴۷)

ملت نیز عبارت است از گروه‌هایی از مردم یا جمعی از مردمان که دانسته یا ندانسته مایلند، مستقل از یک قدرت غیر، اعم از قدرت بشری یا قدرت الهی، قواعد و قوانینی بگذارند و امور خود را اداره کنند، پس درحقیقت حاکمیت از لوازم ذات ملت است که با وضع قواعد و قوانین، به اصطلاح بر خود حکومت می‌کند و خودمختار می‌شود. اولین صفت ذاتی آن تمایل به استقلال از قدرت غیر یا قدرت قانون است. به عبارت دیگر مردمی که عنوان ملت را دارند، مایلند که از خود حکومت مستقل داشته و خودمختار باشند. (۴۸)

با توجه به تعاریف بالا، دور کن اولیه یک احساس ملی (هویت ملی) عبارتست از

داشتن یک حاکمیت ملی و دارا بودن لوازم این حاکمیت، یعنی دولت و محدوده و مرز مشخص. بدین ترتیب می‌توان هویت دینی را در چارچوب هویت ملی و در بر دارنده نظام فرهنگی جامعه تلقی کرد. پس اگر هویت ملی را هویت جامعه‌ای، طبق تعریف پارسونز (اجتماع جامعه‌ای)، قلمداد کنیم، این هویت مانند سیستم حفظ و انسجام جامعه می‌باشد که با سه سیستم اقتصادی، سیاسی و جامعه‌پذیری در ارتباط و مبادله است. در این صورت سیستم جامعه‌پذیری از طریق درونی کردن ارزش‌های بنیادین فرهنگی که حاصل ارزش‌های (ملی، دینی، جامعه‌ای و انسانی) است، دو عنصر اساسی هویت یعنی وفاداری و تعهد را به اجتماع جامعه‌ای شده، می‌رساند.

اما آنچه باید در میان مردم ایران بررسی شود، آن است که با توجه به اینکه ارزش‌های دینی نهادی شده‌اند، آیا این ارزش‌ها از دیدگاه مردم محدوده داشته و در حصار هویت ملی و ملیت قرار گرفته‌اند یا خیر؟ به عبارتی، در حال حاضر کدامیک از عناصر تشکیل دهنده ارزش‌های بنیادین فرهنگی سهم بیشتری در هویت ملی (جامعه‌ای) دارند.

در مدل مفهومی هویت ملی، دو عنصر اساسی هویت جامعه‌ای (ملی) یعنی عاطفه تعمیم یافته (عام) و تعهد تعمیم یافته (عام) نمایانگر ابعاد و اجزاء هویت ملی می‌باشند که به‌عنوان پایبندی نظری (عاطفه عام) و پایبندی عملی (تعهد عام) به ارزش‌های چهارگانه هویت ملی (دینی - ملی - جامعه‌ای - انسانی) عمل می‌کنند.

براساس مدل مفهومی مذکور، عاطفه یا پایبندی به هنجارها و ارزش‌های چهارگانه هویت ملی (ارزش‌های ملی - دینی - جامعه‌ای - انسانی) از یک سو و میزان تعهد عام یا مشارکت در جهت توسعه هنجارها و ارزش‌های چهارگانه هویت ملی از سوی دیگر، به‌عنوان دو بُعد نظری و عملی نشان دهنده جایگاه هویت ملی در نزد افراد یک جامعه است.

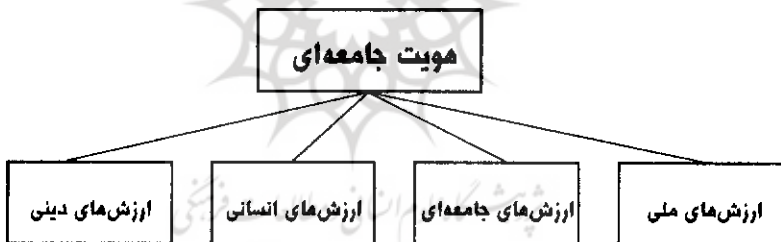
در تعریفی که از ارزش‌های چهارگانه هویت ملی می‌توان ارائه داد، تمامی مشترکات فرهنگی ما اعم از سرزمین، زبان، نمادهای ملی - سنت‌ها و ادبیات ملی به‌عنوان ارزش‌های ملی تلقی می‌شوند.

ارزش‌های دینی عبارت‌اند از تمامی مشترکات فرهنگ دینی که در جامعه ایران، از دین اسلام مورد نظر است. این ارزش‌ها اعم از اعتقادات مبنایی (پیامبران)، قرآن و سنت‌های دینی می‌باشد.

ارزش‌های جامعه‌ای (۴۹) عبارتست از اصول و قواعد اجتماعی که جهت استحکام جامعه باید رعایت گردد.

ارزش‌های انسانی نیز عبارت است از کلیه اصول و قواعد انسانی که فارغ از هرگونه محدودیت اجتماعی و جغرافیایی، جهت بقای بشریت باید رعایت گردد. با توجه به تعاریف بالا، باید توجه داشت که هر یک از ارزش‌های نامبرده به مثابه خرده فرهنگ‌هایی است که در فرهنگی ملی مستقر می‌باشند.

تصویر (۳) عناصر تشکیل دهنده هویت ملی



بخش پنجم: بررسی رابطه میان عناصر هویت ملی

- مدل آرمانی هویت ملی در ایران، چنانچه بیان شد، دارای ۴ دسته ارزش‌های ملی - دینی - جامعه‌ای و انسانی است. جهت اعتبار این مدل در جامعه ایران تحقیقی میدانی بر روی آن انجام گرفته است. سؤالات مهم این تحقیق عبارت‌اند از:
 - آیا ابعاد چهارگانه هویت با یکدیگر در رابطه‌اند؟
 - آیا دو جز مفهومی هویت ملی (تعهد و عاطفه عام) با یکدیگر در رابطه‌اند؟
 - میزان هر یک از ابعاد چهارگانه هویت ملی نزد جامعه آماری (مردم شهر مشهد) چقدر است؟
 - میزان عاطفه ملی (عام) و تعهد ملی (عام) نسبت به هویت ملی نزد جامعه آماری چقدر است؟

روش تحقیق

مفاهیم مورد سنجش

مفاهیم مورد بررسی و برخی معرف‌های برجسته جهت سنجش دقیق مفهوم مورد نظر عبارتند از:

عوامل موثر بر هویت ملی

- ۱- احساس بی‌عدالتی: میزان بهره‌مندی از امکانات جامعه و میزان دستیابی به اهداف
- ۲- عام‌گرایی: میزان پایبندی به قوانین اجتماعی، میزان توجه به حقوق دیگران، میزان رعایت مقررات اجتماعی و میزان اعتبار خویشاوندان در برابر عموم مردم.

عناصر تشکیل دهنده هویت ملی

- ۱- ارزش‌های ملی: میزان دلبستگی و تعهد به سرزمین، سرود ملی، سنت‌های ملی، استقلال کشور، تاریخ کشور، پرچم، آثار ملی، مشاهیر ملی، رهبران سیاسی و ...
 - ۲- ارزش‌های انسانی: کمک و همیاری نیازمندان جهان، احساس همبستگی با مردم دیگر کشورها و ...
 - ۳- ارزش‌های جامعه‌ای: احساس همبستگی با نیازمندان جامعه، رعایت مقررات جامعه و ...
 - ۴- ارزش‌های دینی: پایبندی و عمل به فرایض دینی، نوع نگرش به غیر همدینان، شرکت در مراسم و مناسک دینی، اعتقاد به پیشوایان دینی شناخت علمای دینی و ...
- متغیرهای مورد نظر در قالب گویه و تکنیک طیف ۵ قسمتی لیکرت به وسیله مصاحبه، همراه با پرسشنامه مورد سنجش قرار گرفته است.
- نمرات بدست آمده از مجموعه گویه‌های هر متغیر جهت استاندارد شدن بر یک طیف مدرج ۱۰۰ قسمتی تطبیق داده شده است تا از این طریق درجه هویت ملی افراد مشخص شده و وزن هر یک از ابعاد هویت ملی با یکدیگر قابل مقایسه گردد.

جامعه آماری موردنظر، مردم شهر مشهد است و نمونه تحقیق با توجه به جمعیت (۱۸ سال به بالا مناطق دهگانه ۲۵۹۹۱۳۷ نفر) براساس فرمول نمونه‌گیری کوگران، ۳۰۳ نفر از ساکنین ۱۸ سال به بالای مناطق ده‌گانه این شهر است. روش نمونه‌گیری در داخل مناطق سهمیه‌ای و به نسبت جمعیت هر منطقه تعیین شده است.

یافته‌های تحقیق

این تحقیق به‌طور مختصر نتایج زیر را نشان می‌دهد: (مراجعه‌شود به جدول شماره (۱))

- ۱- کلیه عناصری که تحت عنوان ارزش‌های چهارگانه (ملی، جامعه‌ای، انسانی و دینی) به‌عنوان اجزاء هویت ملی انتخاب شده‌اند، یا سطح معنی‌دار ۱۰۰ درصد، از هم بستگی بالا و قابل قبولی برخوردار می‌باشند.
 - ۲- در سنجش عناصر مفهومی هویت ملی که از دو مؤلفه عاطفه و تعهد (پایبندی نظری و عملی) تشکیل شده، نیز مشخص می‌شود که میزان همبستگی پایبندی نظری با هویت ملی ۹۰٪ و میزان همبستگی پایبندی عملی با هویت ملی ۸۰٪ می‌باشد.
- این همبستگی‌ها در سطح معنی‌دار ۱۰۰ درصد است که نشان دهنده اعتبار بالای مدل است.

جدول (۱) همبستگی پیرسون بین هویت ملی و اجزای آن

پایبندی عملی	پایبندی نظری	ارزش‌های انسانی	ارزش‌های جامعه‌ای	ارزش‌های دینی	ارزش‌های ملی	هویت ملی	
						۱/۰۰۰ (۳۰۳) P=.	هویت ملی
					۱/۰۰۰ (۳۰۳) P=.	۰/۷۷۱۱ (۳۰۳) P=...	ارزش‌های ملی
				۱/۰۰۰ (۳۰۳) P=.	۰/۱۳۶۷ (۳۰۳) P=۰/۰۹	۰/۶۴۸۰ (۳۰۳) P=...	ارزش‌های دینی
			۱/۰۰۰ (۳۰۳) P=.	۰/۲۷۴۴ (۳۰۳) P=...	۰/۵۰۲۷ (۳۰۳) P=...	۰/۷۳۸۸ (۳۰۳) P=...	ارزش‌های جامعه‌ای
		۱/۰۰۰ (۳۰۳) P=.	۰/۴۸۵۳ (۳۰۳) P=.	۰/۲۹۷۹ (۳۰۳) P=...	۰/۳۰۶۶ (۳۰۳) P=...	۰/۶۰۷۵ (۳۰۳) P=...	ارزش‌های انسانی
	۱/۰۰۰ (۳۰۳) P=.	۰/۶۸۷۱ (۳۰۳) P=...	۰/۷۵۲۴ (۳۰۳) P=...	۰/۴۶۷۵ (۳۰۳) P=...	۰/۷۰۰۴ (۳۰۳) P=...	۰/۹۰۰۶ (۳۰۳) P=...	پایبندی نظری
۱/۰۰۰ (۳۰۳) P=.	۰/۶۵۶۸ (۳۰۳) P=...	۰/۷۵۶۷ (۳۰۳) P=...	۰/۷۲۴۱ (۳۰۳) P=...	۰/۶۵۵۰ (۳۰۳) P=...	۰/۴۰۹۹ (۳۰۳) P=...	۰/۷۹۸۸ (۳۰۳) P=...	پایبندی عملی

نتایج بررسی جایگاه هویت ملی در جامعه آماری شهر مشهد به صورت مختصر عبارتست از:

جدول (۲) توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب هویت ملی

	میزان هویت ملی					
	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	تعداد پاسخگویان
جمع	۸۱-۱۰۰	۶۱-۸۰	۴۱-۶۰	۲۱-۴۰	۱-۲۰	
مطلق	۴۳	۲۱۵	۹	۰	۰	۲۳۶
درصد	۱۴/۱۹	۸۲/۸۳	۲/۹۷	۰	۰	۱۰۰

Mean = ۷۳/۴۳

Max = ۸۴/۰۶۳

Min = ۵۲/۱۸۸

جدول فوق نشان می‌دهد که گرایش به هویت ملی در اکثر پاسخگویان (۸۲/۸۳٪) در طیف صد درجه‌ای بین نمره ۶۱-۸۰ می‌باشد که نمایانگر هویت ملی زیاد آنهاست. میانگین هویت ملی در بین پاسخگویان نمره ۷۳/۴۸ کمترین نمره ۵۲/۱۸ و بیشترین آن ۸۴/۰۶ می‌باشد.

جدول (۳) توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب پایبندی ملی (پایبندی نظری)

	میزان پایبندی نظری					
	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	تعداد پاسخگویان
جمع	۸۱-۱۰۰	۶۱-۸۰	۴۱-۶۰	۲۱-۴۰	۱-۲۰	
مطلق	۳۰۳	۲۱۴	۱۰	۰	۰	۲۳۶
درصد	۱۰۰	۷۹/۵۳	۳۰/۳	۰	۰	۱۰۰

Mean = ۷۴/۵۴

Max = ۹۲/۱۴

Min = ۵۰/۶۳

بر اساس جدول فوق، میزان پایبندی نظری در هویت ملی اکثر (۷۹/۵۳٪) پاسخگویان بین نمرات ۶۱-۸۰ می‌باشد که نشان دهنده پایبندی نظری زیاد آنهاست.

میانگین نمرات پایبندی نظری ۷۴/۵۴، کمترین نمره ۵۰/۶۳ و بیشترین نمره پایبندی ۹۲/۱۴ می‌باشد.

جدول (۴) توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب تعهد ملی (پایبندی ملی)

	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	میزان پایبندی تعهد عملی
جمع	۸۱-۱۰۰	۶۱-۸۰	۴۱-۶۰	۲۱-۴۰	۱-۲۰	تعداد پاسخگویان
۳۰۳	۲۶	۲۴۲	۳۵	۰	۰	مطلق
۱۰۰	۸/۵۸	۷۹/۸۶	۱۱/۵۵	۰	۰	درصد

$$\text{Mean} = ۷۰/۵۶$$

$$\text{Max} = ۹۲/۸۳$$

$$\text{Min} = ۴۸/۸۳$$

جدول فوق نمایانگر آن است که اکثر پاسخگویان (۷۹/۸۶٪) در میزان پایبندی عمل به هویت ملی نمرات ۶۱-۸۰ را دارا می‌باشند. این امر نشان دهنده آن است که پایبندی عملی آنها به هویت ملی زیاد می‌باشد. نمره میانگین این تعهد ۷۰/۵۶ و بیشترین نمره پاسخگویان ۹۲/۸۳ در مقابل کمترین نمره ۴۸/۸۳ است.

جدول (۵) توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب ارزش‌های ملی

	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	کاهش به ارزش‌های ملی
جمع	۸۱-۱۰۰	۶۱-۸۰	۴۱-۶۰	۲۱-۴۰	۱-۲۰	تعداد پاسخگویان
۳۰۳	۲۷	۲۴۲	۳۴	۰	۰	مطلق
۱۰۰	۸/۹۱	۷۹/۸۶	۱۱/۲۲	۰	۰	درصد

$$\text{Mean} = ۷۰/۴۶$$

$$\text{Max} = ۹۰/۸۳$$

$$\text{Min} = ۵۰$$

جدول ۵ نشان می‌دهد اکثر پاسخگویان (۷۹/۸۶٪) نمره هویت ملی‌شان در رابطه با ارزش‌های ملی بین ۶۱-۸۰ می‌باشد. میانگین نمره پاسخگویان ۷۰/۴۶ را نشان می‌دهد و حداکثر و حداقل نمرات پاسخگویان به ترتیب ۹۰/۸۳ و ۵۰ می‌باشد.

جدول (۶) توزیع فراوانی پاسخگویان در رابطه با ارزش‌های دینی

	گرایش به ارزش‌های مذهبی					تعداد پاسخگویان
	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
جمع	۸۱-۱۰۰	۶۱-۸۰	۴۱-۶۰	۲۱-۴۰	۱-۲۰	
مطلق	۸۶	۲۰۹	۸	۰	۰	
درصد	۲۸/۳۸	۶۹/۹۷	۲/۶۴	۰	۰	

Mean = ۷۵/۸۷

Max = ۹۸

Min = ۵۲

جدول فوق حاکی از آن است که بالاترین درصد پاسخگویان (۶۷/۹۷٪) در رابطه با ارزش‌های مذهبی که جزئی از مدل هویت ملی را تشکیل می‌دهد، نمرات ۶۱-۸۰ را اتخاذ نموده‌اند که نشان دهنده این است که نقش ارزش‌های دینی در تعیین هویت ملی آنها در سطح زیاد می‌باشد. میانگین نمرات ۷۵/۸۷ و حداکثر و حداقل نمرات به ترتیب ۹۸ و ۵۲ می‌باشد.

جدول (۷) توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب ارزش‌های انسانی

	گرایش به ارزش‌های انسانی					تعداد پاسخگویان
	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
جمع	۸۱-۱۰۰	۶۱-۸۰	۴۱-۶۰	۲۱-۴۰	۱-۲۰	
مطلق	۱۶۵	۷۱	۳	۰	۰	
درصد	۱۴/۵۲	۶۱/۱۵	۲۳/۴۳	۰/۹	۰	

Mean = ۷۰/۰۲

Max = ۱۰۰

Min = ۳۶/۶۶

در توصیف جدول ۷ می‌توان گفت که اکثر پاسخگویان (۶۱/۱۵٪) دارای گرایش زیاد به ارزش‌های انسانی با نمراتی برابر ۶۱-۸۰ هستند. همچنین جدول میانگین نمرات پاسخگویان را ۷۰ و حداکثر نمره را ۱۰۰ و حداقل نمره ۳۶/۳۳ نشان می‌دهد.

جدول (۸) توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب ارزش‌های جامعه‌ای

	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	گرایش به ارزش‌های جامعه‌ای
جمع	۸۱-۱۰۰	۶۱-۸۰	۴۱-۶۰	۲۱-۴۰	۱-۲۰	تعداد پاسخگویان
۳۰۳	۱۰۶	۱۷۹	۱۸	۰	۰	مطلق
۱۰۰	۳۴/۹۸	۵۹/۰۷	۵/۹۴	۰	۰	درصد

Mean = ۷۷/۷۲

Max = ۹۸

Min = ۴۸

جدول بالا نشانگر این مطلب است که اکثر پاسخگویان (۵۹/۰۷٪) در ارزش‌های جامعه‌ای به عنوان بخشی از هویت ملی نمرات بین ۶۱-۸۰ را کسب کرده‌اند که گرایش آنها در حد زیاد برآورد می‌شود. همچنین این جدول نشان می‌دهد که حدود ۳۵٪ پاسخگویان نمرات بین ۸۱-۱۰۰ یعنی گرایش خیلی زیاد را نسبت به ارزش‌های جامعه‌ای دارند. با توجه به حداکثر نمره برابر ۹۸ و حداقل نمره برابر ۴۸ میانگین نمرات پاسخگویان ۷۷/۷۲ می‌باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

با توجه به اینکه امکان مقایسه مدل تحقیق و نتایج حاصله از آزمون با شهرهای دیگر در حال حاضر موجود نیست، از اطلاعات بدست آمده چنین استنباط می‌شود که میانگین میزان هویت ملی در شهر مشهد ۷۴/۴۳ درجه و میانگین میزان پایبندی نظری (عاطفه عام) به هویت ملی ۷۴/۵۴ درجه و پایبندی عملی (تعهد عام) ۷۰/۵۶ درجه می‌باشد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، میزان پایبندی عملی نسبت به پایبندی نظری کمتر است. از بین عناصر تشکیل دهنده هویت ملی، ارزش‌های ملی دارای میانگین ۷۰/۴۶، ارزش‌های دینی ۷۵/۸۷، ارزش‌های جامعه‌ای ۷۷/۷۲ و ارزش‌های انسانی ۷۰/۰۲ می‌باشد. چنانچه مشاهده می‌شود، ارزش‌های ملی نسبت به ارزش‌های دینی کمتر مورد توجه و تعلق خاطر قرار گرفته است که در صورت اعتبار بخشیدن بر ارزش‌های ملی و مصادیق آن در جامعه، ارزش‌های چهارگانه هم سطح گردیده و میزان احساس تعلق به هویت ملی افزایش می‌یابد. به همین ترتیب، میانگین اعتقاد و پایبندی نظری افراد به هویت ملی در مقایسه با تعهد و مشارکت عملی آنها بیشتر می‌باشد که در صورت مشارکت همگانی در جامعه، میزان تعهد ملی بالا رفته و احساس هویت ملی افزایش می‌یابد.

منابع و یادداشت‌ها:

- ۱- مقاله حاضر چکیده‌ای از تحقیق انجام شده تحت عنوان ذیل می‌باشد: افسر رزازی‌فر، بررسی مفهوم هویت جمعی و جایگاه هویت ملی در شهر مشهد با تأکید بر تأثیر دو عامل عاملگرایی و عدالت توزیعی بر هویت جامعه‌ای (ملی)، تهران، معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۶.
- ۲- گوردن دبلیو، آلپورت، ای. جونز واردی، روان‌شناسی اجتماعی از آغاز تا کنون، ترجمه محمدتقی منشی طوسی، مشهد، معاونت فرهنگی استان قدس رضوی، ۱۳۷۱، صص ۹۷-۹۱.
- ۳- اتو کلاین برگ، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه علی محمد کاردان، تهران، نشر اندیشه، ۱۳۷۱، ص ۵۲۰.
- ۴- محمدعلی شیخ، پژوهشی در اندیشه‌های ابن خلدون، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۶۳، ص ۱۰۷.
- ۵- ریمون آرون، مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران، سازمان انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۵، صص ۱۳۱ و ۳۴۸.
- ۶- لوئیس ویرث، "گامی به سوی تعریف جامعه بومی"، در پتر ورسلی، جامعه‌شناسی مدرن، ترجمه حسن پویان، ج ۲، تهران، چاپخش، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۲۰۱.
- ۷- ماکس ویر، مفاهیم جامعه‌شناسی، ترجمه احمد صدارتی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۶۷، ص ۷۱.
- ۸- جورج ریتزر، نظریه‌های جامعه‌شناسی، ترجمه محمدرضا غروی‌راد، تهران، انتشارات ماجد، ۱۳۷۳، صص ۳۴۸-۳۴۷ و ۱۵۲ و ۳۲۷.
- 9- Talcott Parsons, Rocher Guy, "*Et a Sociologie Americaine*", P.U.F, 1972.
- ۱۰- جهت اطلاع بیشتر ن.ک. به: حسین بشیریه، "هابرماس (نگرش انتقادی و نظریه تکاملی)"، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۷۴-۷۳، ۱۳۷۴.
- ۱۱- جهت اطلاع بیشتر ن.ک. به: بابک احمدی، مدرنیته و اندیشه انتقادی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۳.
- ۱۲- جهت اطلاع بیشتر ن.ک. به: مسعود چلبی، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش (جزوه درسی)، ۱۳۷۱.

- ۱۳- جهت اطلاع بیشتر ن.ک. به: مسعود چلبی، "وفاق اجتماعی"، مجله نامه علوم اجتماعی، دوره جدید، جلد دوم، شماره سوم، بهار ۱۳۷۲.
- ۱۴- محمد عبداللهی، بحران هویت، هویت جمعی و دینامیسم و مکانیزم تحول آن در ایران (متن سخنرانی در انجمن جامعه‌شناسی ایران)، ۱۳۷۳.
- ۱۵- جی بنسن، آجی ویدریج، "شکل‌های جامعه یومی از اساس تغییر کرده‌اند"، در پتر ورسلی، همان، ج ۲، ص ۲۰۹.
- ۱۶- مورو پرسینی، "سیمای دوگانه هویت"، ترجمه داوود طبایی، پیام یونسکو، سال بیست و چهارم، شماره ۲۷۷، اردیبهشت ۱۳۷۳، ص ۱۵.
- 17- Adam Kuper & Jessica Kuper, "*The social Encyclopedia*", Grate Breatain Routlage, kegan pau Press, 1985.
- 18- Philip Schlesinger "*Media, state and Nation: Political violence and collective Identities*", 1991, PP. 150- 162.
- ۱۹- غلامرضا اورعی، بررسی چگونگی تبلور فرهنگ غرب در ایران، از طریق اجرای برنامه‌های فرهنگی، مشهد، جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۲، ص ۷.
- ۲۰- مسعود چلبی، همان، ص ۲۴.
- ۲۱- مسعود چلبی، "کدام نظم مطلوب است؟"، روزنامه همشهری، ۶ دی‌ماه ۱۳۷۴.
- 22- Rocher Guy, "*L Organization Social*", Collection point, 1968.
- ۲۳- جانانان. اچ. ترنر، پیدایش نظریه جامعه‌شناسی، ترجمه عبدالعلی لهسانی‌زاده، شیراز، انتشارات فرهنگی، ۱۳۷۱، ص ۴۳۷.
- ۲۴- همان، ص ۳۲۷.
- 25- Peier Hamilton, *Talcott parsons*, London, Routledge, 1986, PP. 118 - 121.
- 26- Jurgen Habermas, *Toward a Rational Society*, London, Heinemann, 1971, P. 282.
- 27- Michael pusey, *Jurger Habermas*, London, Tavistock, 1987, P. 100.

- ۲۸- حسینعلی نوذری، جایگاه عقلانیت در اندیشه سیاسی یورگن هابرماس (پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی) تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، صص ۱۷۰ و ۱۷۱.
- 29- James wiggins & james vander berely, *Social psychology*, london, Sage publication, 1994, P. 19.
- 30- *Ibid*.
- ۳۱- مسعود چلبی، همان.
- ۳۲- جانانان، اچ. ترنر، همان، ص ۴۳۷.
- 33- Philip Sdlesinger, "*Media, state and nation: political violence and collective jdentities*", 1991, P.158.
- ۳۴- مسعود چلبی، "وفاق اجتماعی"، همان.
- ۳۵- همان، ص ۱۳.
- 36- Edgar. F. Borgatta & Mariel borgatta, *Encyclopedia of sociology*, Mac millan, 1992, P. 874.
- ۳۷- مسعود چلبی، "کدام نظم مطلوب است؟"، همان.
- ۳۸- جانانان، اچ. ترنر، همان.
- ۳۹- مسعود چلبی، "وفاق اجتماعی"، همان، ص ۲۵.
- ۴۰- مسعود چلبی، "کدام نظم مطلوب است؟"، همان.
- ۴۱- حسینعلی نوذری، همان، ص ۲۰۱.
- ۴۲- مسعود چلبی، "وفاق اجتماعی"، همان، ص ۲۱.
- 43- Denis mcquall, *Mass communication theory an introduction*, England, Sage, 1990, P. 127.
- 44- Mehran hamrava, *Politics and society in the third world*, London, Routledge, 1993, P. 166.
- 45- Philip Schlesinge, *Ibid*.

- ۴۶- نورتون ای لانگ، 'جامعه محلی به مثابه محیط بازی'، در پتر ورسلی، جامعه‌شناسی مدرن، ترجمه حسن پویان، ۲ ج، تهران، چاپخش، ۱۳۷۳، ج ۲، صص ۲۱۵ و ۲۱۶.
- ۴۷- مرتضی مطهری، خدمات متقابل اسلام ایران، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۴، صص ۲۷.
- ۴۸- رضا داوری، ناسیونالیسم و انقلاب، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی فرهنگی، ۱۳۶۵، صص ۳۶.
- ۴۹- ارزش‌های جامعه‌ای همچون ارزش‌های دینی، ملی و انسانی به منزله یک خرده فرهنگ از اجزاء هویت ملی (جامعه‌ای) تلقی می‌شود.





پڙهه ښكاره علوم انساني او مطالعات فرېسنجی
پرتال جامع علوم انسانی